

ویرگی‌های استثنایی و شگفت‌انگیز این کتاب:

- آموزش حرفه‌ای و تصویری آرایه‌های ادبی به ساده‌ترین و بنیادی‌ترین شکل ممکن؛
- مثال‌ها و نمونه‌هایی که تو آموزش تصویری هر آرایه، توی ذهن، ثبت و موندگار منش؛
- تصویرهای متناسب با هر مثال یا نمونه که باعث تثیت آموخته‌های و تقویت حافظهٔ تصویری منش؛
- مثال‌های متعدد و متنوع از داخل و خارج کتابای درسی برای هر آرایه؛
- فهرست‌های جامع و کاربردی؛ شامل: «فهرست تمام واژه‌های چندمعنایی که جناس تام، ایهام یا ایهام تناسب منسازن؛ فهرست مهم‌ترین و رایج‌ترین کنایه‌ها، اضافه‌های تشبيه‌ی، اضافه‌های استعاری، ترکیب‌های دارای حسّ‌آمیزی و متناقض‌نما و...»؛
- نکته‌های خاصٌ کنکوری که لابه‌لای متن درس‌نامه‌ها او مده؛
- نکته‌های خاصٌ و استثنایی مربوط به تفاوت‌های اساسی بعض آرایه‌ها مثٌ «حسن تعلیل و اسلوب معادله»، «اسلوب معادله و ضرب المثل»، «ایهام و ایهام تناسب»، «اضافهٔ تشبيه‌ی و اضافهٔ استعاری» و... که معمولاً توی تشخیص دادنشون از همدیگه دچار اشتباہ منش؛
- تیپ‌شناسی کاملاً دقیق و علمی سؤال‌ای آرایه تو آزمونای سراسری، آزمایشی و... همراه با شگردهای پاسخ به سؤال‌ای هر تیپ؛
- نمونه سؤال‌ای آرایه از سال ۸۳ تا ۹۸ با پاسخ تشریحی که تو دو دستهٔ جدا تفکیک شدن: ۱. سؤالات تک‌آرایه‌ای که پایان هر درس او مده؛ ۲. سؤالات ترکیبی (چند‌آرایه‌ای) - که ته کتاب قرار گرفته؛ و...

تشویچه‌ای برای معرفت

چه طور بخونی؟

- قبل از خوندن مطالب درس نامه، به تیپ های اصلی سؤالاتی آرایه نگا کن تا اوّلاً متوجه بشن که تو آزمونا با چه تیپ سؤالاتی سروکار داری.
- آموزش آرایه ها و چیدمانشون بر اساس زنجیره ارتباطی شونه؛
یعنی مثلًا بین «تشبیه، استعاره مصّحه، استعاره مکنیه، تشخیص و مجاز» همچین رابطه ای برقراره و لازمه یادگرفتن یکی، یادگرفتن آرایه قبلیه. همین طوره بین «تضاد و متناقض نما» یا بین «حسن تعلیل و اسلوب معادله» و ...
- نمونه هایی که برای هر آرایه و ته هر درس او مدن، بعضی اشون نمونه های کتابی درسین و آدرس دارن (مثلًا «۱/۲») یعنی فارسی ۲ درس ۱) و بعضی دیگه نمونه های خارج کتابن و بی آدرس. روی تک تکشون وقت بذار؛ چون دقیق خوندنشون قدرت تجزیه و تحلیلت رو تو موشکافی بیتها و تشخیص دادن آرایه هاشون به شدت بالا من بره.
به فهرست هایی که برای بعض آرایه ها او مدن مث فهرست واژه هایی که جناس تام، ایهام، یا ایهام تناسب منسازن، فهرست کنایه ها، فهرست اضافه های تشبیه هی و استعاری و ... خیلی خیلی اهمیت بده. اگه دقیق بخونیشون که دیگه بیا و بین! از پس هر بیتی برمیای.
- بعد از خوندن مطالب هر درس هم، من تونی با نمونه تستای تک آرایه ای (تست هایی که توی او نا فقط یه آرایه سؤال منشیه) آموخته هاتو بسنجی؛
- بعد از خوندن تمام مطالب، نوبت به تستای ترکیبی (چند آرایه ای) ته کتاب من رسه. اونجا من تونی با استفاده از همه آموخته هات خود تو محک بزنی. راه های میان بُری که تو جواب دادن به این سؤالا او مده، راه و چاره های استثنایی و

منحصر به فرد تو جواب دادن به تیپ‌های مختلف سؤالاتی آرایه هستن. با خوندن این «راه میانبر»‌ها مهارتت تو تشخیص گزینه درست به شکل عجیب و باورنکردنی تقویت منشة و سر جلسه آزمون از همه رقیبات جلو من افتی و به گردم نمی‌رسن.

■ تستای کنکور سراسری ۹۶، ۹۷ و ۹۸ هم که بعد از تستای ترکیبی او مده، حکم آزمونای جامع آرایه رو دارن و یه خودآزمایی خیلی خوب به حساب میان تا بینی که بعد از خوندن مطالب، حالا چند مرده حل‌اجنی.

تشکر ویژه...

لازم من دانم از صمیم دل از همه عزیزانی که در تدوین و آماده‌سازی این کتاب یاری ام کردند قدردانی کنم؛ به ویژه از:

- مدیر محترم انتشارات مهر و ماه جناب آقای احمد اختیاری که تألیف و چاپ کتاب، مرهون حُسن نظر ویاری‌های ارزنده و سازنده ایشان است؛
- دوست گرامی جناب آقای محمد هژیری، تصویرگر هنرمند و توانا که موضوعات مورد نظر را با اشتیاق و در زمانی اندک به تصویر کشیدند؛
- سرکار خانم زهرا خوش‌نود مسئول محترم این پروژه که یاری‌های صمیمانه شان در تمامی مراحل تدوین و آماده‌سازی این اثر، ستودنی و البته جبران ناپذیر است؛

■ دوست عزیز و صاحب ذوق جناب آقای امیرحسین حیدری که در ویراستاری این اثر، یاری‌گر ما بودند؛

■ دوست عزیزم جناب آقای محسن فرهادی، مدیر هنری انتشارات؛
■ سرکار خانم سمیرا سیاوشی، مدیر محترم واحد تولید انتشارات؛
از خداوند متعال برای تمامی این عزیزان سلامتی و بهروزی خواستارم.
سر بلند و پیروز باشید

حمزه نصرالله‌ی

hamzeh.nasrollahi@gmail.com

فهرست

۱۸ تیپ‌شناسی سؤالات کنکور

۱۹ مقدمات

۲۷ بیان

۳۱ بدیع (آرایه‌های لفظی)

۱۴۳ بدیع (آرایه‌های معنوی)

۲۷۵ تست‌های ترکیبی

۲۸۵ کنکور ۹۸-۹۷-۹۶

۲۹۳ پاسخ‌نامهٔ تشریحی

ابراج ادبی

تشوشه‌ای برای موفقیت

بخش اول

مقدمات

• آشنایی با چند اصطلاح

• قالب‌های شعری

ابراهیم

تشوشه‌ای برای موهبت

ردیف

■ واژه یا واژه‌هایی است که در پایان مصraigها و ابیات و پس از واژه‌های قافیه، به صورت مستقل و عیناً در یک معنی خاص تکرار می‌شود.
☞ توی همین شعر «سعده» که اول درس خوندی، «من رود» تو آخر مصraig اول و همه مصraigها زوج، عیناً به یه معنا تکرار شده و ردیف به حساب می‌آید.

توجه: ردیف ممکن است یک یا چند واژه و یا حتی یک جمله باشد.

قافیه

■ واژه یا واژه‌هایی است که در پایان مصraigها و ابیات و قبل از ردیف می‌آید و حرف یا حروف پایانی همه آن‌ها مشترک است. به حروف مشترک آن‌ها هم «حروف قافیه» می‌گویند.

☞ نفس باد صبا مشک‌فشن خواهد شد
عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد
☞ «خواهد شد» ردیف، «مشک‌فشن، جوان» واژه‌های قافیه و «ان» هم حروف مشترک قافیه‌ست.

توجه: گاه یک شعر ردیف ندارد؛ در این صورت آخرين واژه مصraigها یا ابیات که حروف پایانی‌شان مشترک باشد، «قافیه» است.

☞ عشق او باز اندر آوردم به بند کوشش بسیار نامد سودمند
عشق، دریایی کرانه‌نایدید کی توان کردن شنا ای هوشمند؟!
عشق را خواهی که تا پایان بری بس که بپسندید باید ناپسند ...

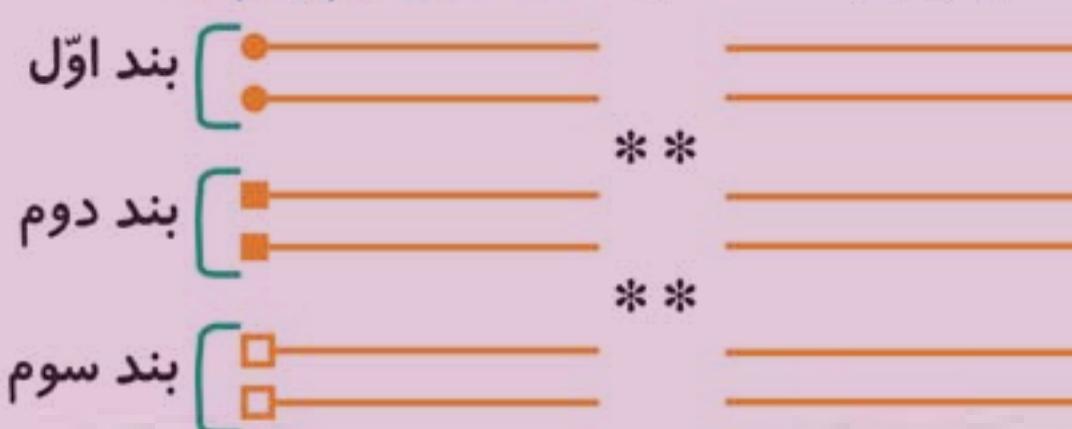
☞ این شعر ردیف نداره و واژه‌های «بند، سودمند، هوشمند، ناپسند و ...» قافیه‌های شعر هستن.

تشوشه‌ای برای موهبت

چوک ز شاخ در خست، خویشتن آویخته
 زاغ سیه بر دو بال، غالیه آمیخته
 ابر بهاری ز دور، اسب برانگیخته
 وز سُم اسب سیاه، لؤلؤ تر ریخته
 در دهن لاله باد، ریخته و بیخته
 بیخته مشک سیاه، ریخته در شمین ...

چهارپاره (دوبیتی‌های پیوسته)

■ شعری است که از چند بند هم‌وزن و هم‌آهنگ با قافیه‌های متفاوت تشکیل می‌شود. هر بند آن شامل چهار مصراع است و اغلب، مصراع‌های زوج آن هم قافیه‌اند؛ در واقع چهارپاره، مجتمعهای از دوبیتی‌های به هم پیوسته است که هر کدام، قافیه‌ای جداگانه دارند. **نمودار چهارپاره:**



■ چهارپاره بیشتر برای طرح مضامین اجتماعی و سیاسی به کار می‌رود؛ ضمن این‌که رواج آن از دوره مشروطه بوده و تا کنون ادامه یافته است.

■ چهارپاره سرایان مشهور در ادبیات ایران ← ملک‌الشعرای بهار، فریدون تولّی، فریدون مشیری، مهدی حمیدی شیرازی یک «چهارپاره» از حمیدی شیرازی

به مغرب، سینه‌مالان قرص خورشید نهان می‌گشت پشت کوه‌ساران
 فرو می‌ریخت گردی زعفران‌رنگ به روی نیزه‌ها و نیزه‌داران
 ز سُم اسب می‌چرخید بر خاک به سان‌گوی خون‌آلود، سرها
 ز برقِ تیغ می‌افتداد در دشت پیاپی دست‌ها دور از سپرها
 نهان می‌گشت روی روشن روز به زیر دامن شب در سیاهی
 در آن تاریک شب می‌گشت پنهان فروع خرگه خوارزمشاهی ...

بخش دوم

بیان

۲۸ • بیان / آرایه‌های ادبی

۲۹ • تشبیه (تشبیه گسترده - تشبیه بليغ)

۴۸ • استعاره (مصرّحه - مكنّيه)

۶۷ • تشخیص

۷۴ • مجاز

۹۰ • کنایه

توضیحاتی برای موهبت

تشبیه

ادّعای همانندی میان دو یا چند چیز
و یا دو یا چند کس؛

■ «تشبیه» ادعای همانندی (شباخت) میان دو یا چند چیز یا دو یا چند کس است؛ در واقع در تشبیه گوینده دو یا چند چیز و یا دو یا چند کس را به خاطر ویژگی‌های مشترکی که دارند، شبیه هم می‌داند.

مثال

خورشید هم چون **گلِ آفتابگردان** می‌درخشد.



■ در این عبارت، «خورشید» به «**گلِ آفتابگردان**» تشبیه شده.

■ یعنی شاعر معتقد که درخشیدن «خورشید» زردرنگ توی آسمون، عین درخشیدن «**گلِ آفتابگردان**» زرد و طلایی توی سبزه‌هاست.

ارکان (پایه‌های) تشبیه

■ هر تشبیه دارای چهار رکن (پایه) است:

مشبّه: چیزی یا کسی است که قصد مانند کردن آن را داریم.

مشبّه‌به: چیزی یا کسی است که «مشبّه» به آن مانند می‌شود.

وجه شبّه: ویژگی یا ویژگی‌های مشترک میان مشبّه و مشبّه‌به است.

ادات تشبیه: واژه‌ای است که نشان‌دهنده پیوند شباخت است.

**مثال**

نیسته‌ام به کس دل، نبسته کس به من دل **چو تخته پاره بر موج، رها رها رها من**

▪ مشبّه: من / مشبّه‌به: تخته پاره / وجه شبّه: رها بودن / ادات تشبيه: چو



”**بیت**، وصف حال این بندۀ خداست که تو تصویرمی‌بینی. به خاطراین که به کسی وابسته نیست و از هر تعلقِ خاطری رهاست، به یه «تخته پاره» تشبيه شده که رهای رها روی آب شناوره.

 مهم‌ترین ادات تشبيه

چو، چون، هم‌چو، هم‌چون، چونان، چنان، هم‌چنان، مثل، عین، به کردار، به منزله، به گونه، به شکل، به سان، بر سان، در هیئت (شکل)، واژه‌های «گویی، گفتی، گویا، گوییا، انگار، پنداری» (در صورتی که معنای شباهت را برسانند)، ماند، مانستی (از مصدر «ماندن» و «مانستن» به معنی «شبیه بودن»)، پسوندهای شباهت از جمله «گون، گونه، وار، وش، صفت، سا، آسا» (به ترتیب در واژه‌هایی مثل «سرخ‌گون، ترگونه، علی‌وار، مهوش، گرگ‌صفت، مهسا، غول‌آسا») و ...

نکته: «چو» و «چون» فقط وقتی به معنی «مثل» و «ماندن» باشند و مفهوم شباهت را برسانند، حروف اضافه و از ادات تشبيه به حساب می‌آیند **در غیر این صورت** ادات تشبيه نیستند و نقش‌های متفاوت

دیگری دارند؛ از جمله:

① حرف ربط **به معنی** هنگامی که، وقتی که

چو عاشق می‌شدم، گفتم که بردم گوهر مقصود

ندانستم که این دریا چه موج خون‌فشنان دارد!

گفتار صدق مایه آزار می شود
چون حرف حق بلند شود، دار می شود

۲ قید پرسش به معنی چگونه، چه طور، چرا

چون است حال بستان؟ ای باد نوبهاری!

کز بلبلان برآمد فریاد بی قراری

در یک تشبيه، «مشبه» و «مشبه به» را طرفین تشبيه می نامند زیرا
غلب، در تشبيه ها حضور دارند اما «ادات تشبيه» و «وجه شبه» می توانند
حذف شوند.

دانش هم چون چراغ است. (وجه شبه، محوظ است.)

دانش، چراغی است روشن و روشنگر. (ادات تشبيه، محوظ است.)

دانش، چراغ است. (وجه شبه و اادات تشبيه محوظ است.)

مهتمترین پایه تشبيه مشبه به ← وجه شبه باید در «مشبه به» قوی تر
باشد تا «مشبه» به آن مانند شود.

پس برا فهمیدن یه تشبيه، باید برى سروقت مشبه بهش و وجه شبه رواز
اون استنباط کنى.

نکته: در تشبيه، اگر «مشبه» نهاد محوظ باشد، از شناسه فعل

(یا همان نهاد اجباری جمله) درک و دریافت می شود؛ در غیر این صورت

اگر شناسه فعل هم در جمله نبود (مثل فعل های ماضی سوم شخص

«رفت، گفت و ...» یا فعل امر و نهی دوم شخص مفرد «برو، نرو و ...»)

← نبودن «مشبه» مشکلی در تشبيه به وجود نمی آورد و ضمیری که به آن

فعل برمی گردد، «مشبه محوظ» به حساب می آيد.

بدین زور و زر دنیا چو بی عقلان مشو غرّه

که این آن نوبهاری نیست کش بی مهرگان بینی

عبارت «چو بی عقلان مشو غرّه» یعنی «تو مثل بی عقل ها غرّه نشو»؛ پس

مشبه: — (محظوظ = تو) / مشبه به: بی عقلان / وجه شبه: غرّه (فریفته)

شدن / اادات تشبيه: چو



نکته: گاه، ارکان تشبيه به صورت نامنظم و یا جابه‌جا در جمله قرار می‌گيرند؛ بنابراین برای تشخيص دادن ارکان تشبيه، باید اجزای جمله را به صورت درست مرتب کرد.

سركش مشو که چون شمع، از غيرت بسو زد
دلبر که در کف او **موم** است سنگ خارا

- ◀ در اين بيت، دو تشبيه به کار رفته؛ به اين شكل:
- ① مصراع اول ← دلبر از سر غيرت، «تو» (=ت) را چون «شمع» می‌سو زد (يعني ← «تو» چون «شمع» می‌سو زی).
- ② مصراع دوم ← «سنگ خارا» در کف او، «موم» است.

◀ در تشبيه دوم، اول «موم» (مشبه‌به) و سپس، «سنگ خارا» (مشبه) آمده در حالی‌که ← ترتیب درست اجزای بيت به اين صورت است: «سركش مشو؛ که (زیراکه) دلبر که سنگ خارا در کف او [چون] موم است، از غيرت، تو (=ت) را بسو زد.»

أنواع تشبيه از نظر ارکان (پایه‌ها)

▶ تشبيه‌ی است که سه یا چهار رکن دارد؛ به عبارتی ← یا همه ارکان آن (مشبه، مشبه‌به، وجه‌شبه، ادات تشبيه) حضور دارد و یا يکی از ارکان غيراصلی آن (وجه‌شبه یا ادات‌تشبيه) حذف می‌شود.

◀ **ایام گل چو عمر به رفتن شتاب کرد**
ساقی! به دور باده **گلگون** شتاب کن

◀ اين بيت، دو «تشبيه گسترده» دارد:
① ایام گل چو عمر به رفتن شتاب کرد ← مشبه: ایام گل / مشبه‌به: عمر / وجه‌شبه: به رفتن شتاب کرد / ادات‌تشبيه: چو

◀ باده **گلگون** ← مشبه: باده / مشبه‌به: گل / وجه‌شبه: -

[= سرخی] / ادات‌تشبيه: گون

همون جور که می بینی، توی تشبیه اول، تمامی ارکان وجود دارن اما توی تشبیه دوم، وجه شبه حذف شده.

- تشبیه‌ی است که «وجه شبه» و «ادات تشبیه» آن حذف شود و تنها مشبه و مشتبه به باقی بماند.
- بر ۲ نوع است
 - ➊ بلیغ اسنادی (غیر ترکیبی)
 - ➋ بلیغ اضافی (ترکیبی)

تشبیه بلیغ اسنادی (غیر ترکیبی)

در این تشبیه، «مشتبه به» (در قالب یک گزاره) به «مشبه» (که نهاد جمله است) اسناد داده می شود؛ پس ساختار کلی این تشبیه بر اساس الگوی «X، Y است» می باشد. مثلاً «دانش، چراغ است» یه تشبیه بلیغ اسنادیه که در اصل «دانش همچون چراغ، روشنگر است»؛ این جوری بوده اما همون جور که می بینی، وجه شبه و ادات تشبیه‌ش حذف شدن و مشتبه به (چراغ) با فعل اسنادی «است» به مشبه (دانش) نسبت داده شده.

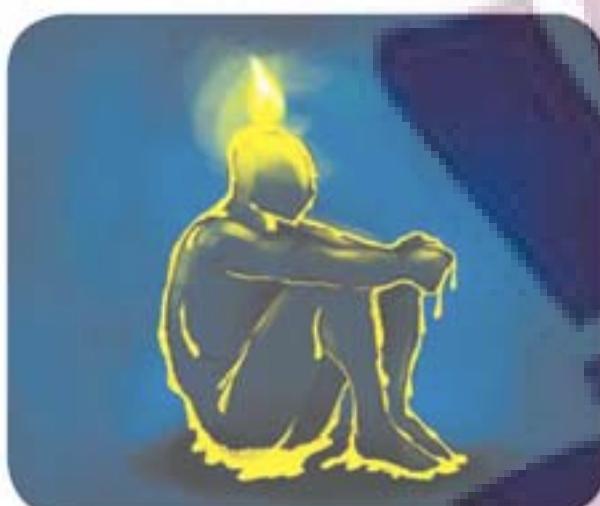
نکته: فعل‌های «است، بود، شد، گشت و گردید (= شد)» و تمام فعل‌هایی که از این مصدرها مشتق می شوند مثل «می باشد، می شود، می گردد (= می شود)، هستم، هستیم و ...» فعل اسنادی‌اند که در یک تشبیه بلیغ اسنادی، «مشتبه به» با این فعل‌ها به «مشبه» نسبت داده می شود.

حالابه این مثال نگا کن؛ ببین این عاشق بندۀ خدا چه جور داره مثیله شمع، آب می شه:

مثال

شمعیم و خوانده‌ایم خط سرنوشت خویش
ما را برای سوز و گداز آفریده‌اند

«جمله «شمعیم = شمع هستیم» یه تشبیه بلیغ اسنادی یا غیر ترکیبیه که در اصل، این جوری بوده: «همچون شمع سوزان و گداران هستیم». مشبه:



[ما]/ مشبّه به: شمع / وجه شبّه: ممحوظ
(سوزان و گدازان بودن)/ ادات تشبيه:
محظوظ. شناسهٔ «يم» (= هستیم) در حکم
 فعل إسنادیه.

تشبيه بلیغ اضافی (ترکیی)

■ در این تشبيه، یکی از طرفین تشبيه (مشبّه یا مشبّه به) به دیگری اضافه می‌شود و یک ترکیب اضافی (مضاف + مضافق الیه) پدید می‌آورد که «اضافهٔ تشبيهی» هم نامیده می‌شود.

مثال

ز زهدِ خشک، لقای حبیب نشوان چید
درخت عشق بُود آن‌که این ثمر دارد



◀ درخت عشق + اضافهٔ تشبيهی (مشبّه:
عشق / مشبّه به: درخت)

▶ توی این بیت، «عشق» به «درخت» تشبيه شده
که میوه و ثمرش، لقای حبیب یا همون وصال
مشوقة است.

مثال

دیشب به سیل اشک ره خواب می‌زدم نقشی به یاد روی تو بر آب می‌زدم



◀ سیل اشک + اضافهٔ تشبيهی (مشبّه:
اشک / مشبّه به: سیل)

▶ شاعر، پیازداغ قضیه روزیاد کرده (!) و با
یه اغراقِ تپل و جون دار، «اشک» خودشو (از
نظر فراوون بودن) به «سیل» تشبيه کرده؛
تا صبح، خواب که نداشت، آروم و قرارهم
که نداشت، فقط اشک ریخته و سیل راه
انداخته و خونه‌های مردم روبرده زیر آب!!!! تصویرشوبین!

نکته: دو شرط اساسی برای ساخت اضافه تشبیه‌ی:

۱ ترکیب مورد نظر حتماً باید یک ترکیب اضافی (مضاف + مضاف‌الیه یعنی اسم + اسم) باشد نه ترکیب وصفی (اسم + صفت).

۲ بین اجزای آن ترکیب اضافی (یعنی بین «مضاف» و «مضاف‌الیه») باید رابطه شباهت برقرار باشد. به این چندتا مثال نگا کن:

* گهر اشک ← یک ترکیب اضافی و اضافه تشبیه‌ی است زیرا ← (اشک) (مضاف‌الیه) به «گهر» (مضاف) تشبیه شده (از این نظر که اشک مانند گهر (مروارید) شفاف و درخشنده است).

* کتاب علی ← یک ترکیب اضافی است اما اضافه تشبیه‌ی نیست زیرا ← (کتاب) (مضاف) و «علی» (مضاف‌الیه) به یکدیگر تشبیه نشده‌اند.

ساختارهای اضافه تشبیه‌ی

اضافه تشبیه‌ی - به طور کلی - دارای دو ساختار متفاوت است:

۱ مشبّه به + مشبّه: در این نوع، «مشبّه به» به «مشبّه» اضافه می‌شود.

* نام لعل لب جان بخش تو اندر سخنم همچنان است که در آب روان، شیرینی

◀ «لعل لب» یک اضافه تشبیه‌ی است که در آن، «مشبّه به» (لعل: سنگ سرخرنگ و گران‌بهای) به «مشبّه» (لب) اضافه شده.

▪ اغلب اضافه‌های تشبیه‌ی، از این نوع هستند.

۲ مشبّه + مشبّه به: در این نوع، «مشبّه» به «مشبّه به» اضافه می‌شود.

* پیش من لب چه می‌گزی که مگو؟!
لب لعلی گزیده‌ام که مپرس

◀ «لب لعل» یک اضافه تشبیه‌ی است که در آن، «مشبّه» (لب) به «مشبّه به» (لعل) اضافه شده.

تشوشه‌ای برای موضعیت



برخی از رایج‌ترین و مهم‌ترین اضافه‌های تشبيه‌ی

خوان عدل (تشبيه عدل به خوان (سفره))	آب آجل (تشبيه اجل به آب)
خورشیدِ دل (تشبيه دل به خورشید)	آسمان سینه (تشبيه سینه به آسمان)
خوناب شفق (تشبيه شفق به خوناب)	آفتاب فتح (تشبيه فتح به آفتاب)
دشت شب (تشبيه شب به دشت)	آفتاب نظر (تشبيه نظر به آفتاب)
زخم انکار (تشبيه انکار به زخم)	بادهٔ مهر (تشبيه مهر به باده)
چشمۀ چشم (تشبيه چشم به چشم)	بار خفت (تشبيه خفت به بار)
سمند سپیده (تشبيه سپیده به سمند)	باران تیر (تشبيه تیر به باران)
شاهد آرزو (تشبيه آرزو به شاهد (زیارو))	باغ بینش (تشبيه بینش به باغ)
صبح آزادی (تشبيه آزادی به صبح)	برکهٔ خورشید (تشبيه خورشید به برکه)
فرعون تخیل (تشبيه تخیل به فرعون)	بوم محنت (تشبيه محنت به بوم)
قلهٔ بیداری (تشبيه بیداری به قله)	تازیانهٔ زخم (تشبيه زخم به تازیانه)
گل صبر (تشبيه صبر به گل)	تخم نیکی (تشبيه نیکی به تخم)
گلبوسهٔ زخم (تشبيه زخم به گلبوسه)	تیر جور (تشبيه جور به تیر)
گنج معرفت (تشبيه معرفت به گنج)	تیغ ستم (تشبيه ستم به تیغ)
گوهر محبت (تشبيه محبت به گوهر)	تیغ جفا (تشبيه جفا به تیغ)
مدار خطر (تشبيه خطر به مدار)	تیغ اجل (تشبيه اجل به تیغ)
مرغ حقیقت (تشبيه حقیقت به مرغ)	جام توحید (تشبيه توحید به جام)
معركهٔ قلوب (تشبيه قلوب به معركه)	چراغِ چشم (تشبيه چشم به چراغ)
منجلاب فساد (تشبيه فساد به منجلاب)	چنبر نفس (تشبيه نفس به چنبر)
یم قدرت (تشبيه قدرت به یم (دریا))	حلقهٔ شب (تشبيه شب به حلقة)

مهر ماه

بیان

گل روی (تشبیه روی (چهره) به گل)	باغ عشق (تشبیه عشق به باغ)
محرابِ ابرو (تشبیه ابرو به محراب)	دفتر عشق (تشبیه عشق به دفتر)
کمند گیسو (تشبیه گیسو به کمند)	شهر عشق (تشبیه عشق به شهر)
خرمنِ زلف (تشبیه زلف به خرمن)	بلای عشق (تشبیه عشق به بلا)
لعلِ لب (تشبیه لب به لعل)	بیرق عشق (تشبیه عشق به بیرق)
دریایِ دل (تشبیه دل به دریا)	شراب عشق (تشبیه عشق به شراب)
صف دل (تشبیه دل به صدف)	سفرِ عشق (تشبیه عشق به سفر)
خانهِ دل (تشبیه دل به خانه)	آتش عشق (تشبیه عشق به آتش)
ذر دندان (تشبیه دندان به ذرا)	بذر عشق (تشبیه عشق به بذر)
گلستان جهان (تشبیه جهان به گلستان)	مس وجود (تشبیه وجود به مس)
سیلِ فنا (تشبیه فنا به سیل)	خرمن وجود (تشبیه وجود به خرمن)
تیرِ آه (تشبیه آه به تیر)	آینهٔ چشم (تشبیه چشم به آینه)
سپهرِ دیده (تشبیه دیده به سپهر)	منظیر چشم (تشبیه چشم به منظر)
مرغِ دل (تشبیه دل به مرغ)	خانهٔ عمر (تشبیه عمر به خانه)
بارِ غم (تشبیه غم به بار)	خارِ غم (تشبیه غم به خار)
سیلابِ غم (تشبیه غم به سیلاب)	خنجر غم (تشبیه غم به خنجر)
صف تن (تشبیه تن به صدف)	کوهِ غم (تشبیه غم به کوه)
صف دهان (تشبیه دهان به صدف)	سیل اشک (تشبیه اشک به سیل)
گوهرِ جان (تشبیه جان به گوهر)	بارِ امانت (تشبیه امانت به بار)
زندان قفس (تشبیه قفس به زندان)	دودِ آه (تشبیه آه به دود)
چاه عالم (تشبیه عالم (دنیا) به چاه)	مهرِ رخ (تشبیه رخ به مهر (خورشید))



باران ستاره (تشبیه ستاره به باران)	خانه جهان (تشبیه جهان به خانه)
چراغ هدایت (تشبیه هدایت به چراغ)	دام جسم (تشبیه جسم به دام)
بارِ دانش (تشبیه دانش به بار (میوه و ثمره))	برق بلا (تشبیه بلا به برق و صاعقه)
مزرع سبزِ فلک (تشبیه فلک به مزرع سبز)	بندِ بلا (تشبیه بلا به بند)
تیرِ سخن (تشبیه سخن به تیر)	دام بلا (تشبیه بلا به دام)
سرابِ ناامیدی (تشبیه ناامیدی به سراب)	بهار عمر (تشبیه عمر به بهار)
صحرای عدم (تشبیه عدم به صحراء)	رشته فکر (تشبیه فکر به رشته)
زندان عالم (تشبیه عالم به زندان)	بحرِ فکر (تشبیه فکر به بحر)
دام زندگی (تشبیه زندگی به دام)	کلاهِ اقبال (تشبیه اقبال به کلاه)
قدح لاله (تشبیه لاله به قدح (جام))	باغِ جان (تشبیه جان به باغ)
رشته عمر (تشبیه عمر به رشته)	حصار بردهاری (تشبیه بردهاری به حصار)
گوهر عمر (تشبیه عمر به گوهر)	شراب وصل (تشبیه وصل به شراب)
گوهرِ دیده (تشبیه دیده (چشم) به گوهر)	هلالِ ابرو (تشبیه ابرو به هلال)
قطرهُ اندیشه (تشبیه اندیشه به قطره)	تیر مژگان (تشبیه مژگان (مژه‌ها) به تیر)
آتش شوق (تشبیه شوق به آتش)	کمند نظر (تشبیه نظر به کمند)
خاک وجود (تشبیه وجود به خاک)	سلسله زلف (تشبیه زلف به سلسله (زنجیر))
داسِ مهِ نو (تشبیه مهِ نوبه داس)	سرو و قد (تشبیه قد (قامت) به سرو)
قطرهُ دانش (تشبیه دانش به قطره)	درخت مهربانی (تشبیه مهربانی به درخت)
کمانِ ابرو (تشبیه ابرو به کمان)	کوه صبر (تشبیه صبر به کوه)

بیشتر بدانیم

” دونوع تشبيه دیگه هم داریم که اگر چه توی کتابای درسی بهشون هیچ اشاره‌ای نشده، اما همیشه توی کنکور نقش پررنگ دارن. پس بهشون خوب توجه داشته باش:

① **تشبيه مُضمر (پنهان):** بیت، ظاهراً تشبيه‌ی ندارد و هیچ نشانی هم از ادات تشبيه و وجه شبه نیست، اما در حقیقت، به صورت پنهان، یک چیز به چیز دیگری تشبيه می‌شود.

﴿ مژگان تو خنجر به رخ ماه کشیده
ابروت زده بر سر خورشید کمان را

” تونگاه اول، به نظر من رسه که توی این بیت هیچ تشبيه‌ی نیست اما در واقع توی هردوتا مصراع، «تشبيه مُضمر» به کار رفته؛ به این صورت که وقتی شاعر می‌گوید «مژگان تو خنجر به رخ ماه کشیده» منظورش اینه که «مژگان» (مزه‌های) تو می‌خنجره است که به رخ (چهره) هم چون ماهت کشیده شدن» (تازه اینجا «رخ ماه» اضافه تشبيه‌ی هم هست یعنی رخ هم چون ماه).

از طرفی، توی مصراع دوم، «خورشید» استعاره از «چهره» معشوقه؛ پس وقتی شاعر می‌گوید «ابروت، کمان به سر خورشید زده» یعنی «ابروی هلالی تو می‌کمان، روی چهره چون خورشیدت نقش بسته».

② **تشبيه مرجح (تفضیل):** در این تشبيه، «مشبه» به «مشبه‌به» تشبيه می‌شود و حتی بر آن ترجیح داده می‌شود؛ به این صورت که شاعر، وجه شبه را برخلاف معمول، به جای آن که در «مشبه‌به» قوی‌تر بداند، در «مشبه» قوی‌تر می‌خواند.

﴿ ای ز لعل لب تو چاشنی قند و شکر!

وی ز نور رخ تو روشنی شمس و قمر!

” توی ادبیات غنایی، «لب» معشوق به «قند و شکر و لعل و یاقوت و ...»



تشبیه می‌شده و «چهره یا رُخش» هم به «شمس و قمر و گل و ...» تشبیه می‌شده. از طرفی، می‌دونی که «شیرینی» توی «قند و شکر» و همین‌طور «روشنی و نورانی بودن» توی «شمس و قمر» قوی‌تره. توی این بیت، شاعر خطاب به معشوقش می‌گه: «قند و شکر، شیرینی خودشونو از لب لعل گون تو گرفتن و شمس و قمر هم روشنی و نورشونو از نور چهره تو وام گرفتن»؛ در واقع **لب** معشوق روبه «قند و شکر» و «چهره» او نو، به «شمس و قمر» تشبیه کرده و حتی به اونا ترجیح داده. **۴** یه مثال دیگه بین:

چو ماه بود و چو سرو و نه ماه بود و نه سرو

قبا نپوشد سرو و کله ندارد ماه

۵ شاعر «معشوق» خودش رو که قبای (: لباس) زیبایی به تن کرده و کلاهی هم به سر گذاشته، به «ماه» و «سرو» تشبیه کرده امّا به اونا هم ترجیحش داده و گفته که «ماه و سرو به زیبایی معشوق من نیستن؛ چون ماه آسمون بی کلاهه و سرو هم بی قباست و اون جذابیتی که یار من داره، اینا ندارن».

نمونه‌های تشبیه

۶ اول چندتا نمونه از «تشبیه گسترده» ببینیم:

۱ دلیری کجا نام او اشکبوس

همی برخروشید بر سان کوس (۱۲/۱)

۷ مشبه: اشکبوس / مشبه به: کوس / وجه شبّه: برخروشیدن /
ادات تشبیه: بر سان

۲ کزین پس نشینم به کنجی چو مور
که روزی نخوردند پیلان به زور (۱۲/۲)

۸ مشبه: — (= من) / مشبه به: مور / وجه شبّه: به کنجی نشستن /
ادات تشبیه: چو

۳ آمد سوی کعبه سینه پر جوش
چون کعبه نهاد حلقه در گوش (۶/۲)

۹ مصراع دوم ← مشبه: او / مشبه به: کعبه / وجه شبّه: حلقه در گوش نهادن /
ادات تشبیه: چون

◀ مشبه: من / مشبه به: حلقه / وجهش به: بر در بودن / ادات تشبيه: چو

❸ گرت ز دست برآید، چو نخل باش کریم

ورت ز دست نیاید، چو سرو باش آزاد (۷/۲)

◀ ۱- مصراع اول ← مشبه: ت (=تو) / مشبه به: نخل / وجهش به: کریم بودن /
ادات تشبيه: چو ۲- مصراع دوم ← مشبه: ت (=تو) / مشبه به: سرو / وجهش به:
آزاد بودن / ادات تشبيه: چو

❹ رها شد ز بند زره موی او

درفshan چو خورشید شد روی او (۱۳/۲)

◀ مشبه: روی او / مشبه به: خورشید / وجهش به: درfshan (درخشان) شدن /
ادات تشبيه: چو

❺ درfshan لاله در وی چون چراغی

ولیک از دود او بر جائش داغی (۱۵/۲)

◀ مشبه: لاله / مشبه به: چراغ / وجهش به: درfshan (درخشان) بودن / ادات
تشبيه: چون

❻ چون ابروی معشوقان، با طاق و رواق است

چون روی پری رویان، با رنگ و نگار است (۸/۳)

◀ ۱- مصراع اول ← مشبه: - [=آن] / مشبه به: ابروی معشوقان / وجهش به: با
طاق و رواق بودن / ادات تشبيه: چون ۲- مصراع دوم ← مشبه: - [=آن]
مشبه به: روی پری رویان / وجهش به: با رنگ و نگار بودن / ادات تشبيه: چون

❼ بگرای چو اژدهای گرزه

بخروش چو شرزه شیر ارغند (۵/۳)

◀ مصراع اول ← مشبه: — (=تو) / مشبه به: اژدهای گرزه / وجهش به:
گراییدن / ادات تشبيه: چو



▪ مصراع دوم ← مشبه: — (= تو) / مشبه به: شرزه شیر / وجه شبه: خروشیدن / ادات تشبيه: چو

۱۰ گرچه بیرون تیره بود و سرد همچون ترس / قهوه‌خانه گرم و روشن بود همچون شرم (۱۳/۳)

▪ مشبه: بیرون / مشبه به: ترس / وجه شبه: تیره و سرد / ادات تشبيه: همچون

▪ مشبه: قهوه‌خانه / مشبه به: شرم / وجه شبه: گرم و روشن / ادات تشبيه: همچون

۱۱ همگنان خاموش / گرد بر گردهش، به کردار صدف بر گرد مروارید... (۱۳/۳)

▪ مشبه: همگنان / مشبه به: صدف / وجه شبه: گرد بر گرد چیزی بودن / ادات تشبيه: به کردار

۱۲ لبٰت تا در لطافت لاله‌ی سیراب را ماند
دلم در بی قراری چشم‌هی سیما ب را ماند

▪ مصراع اول ← مشبه: لبٰت / مشبه به: لاله‌ی سیراب / وجه شبه: لطافت / ادات تشبيه: ماند

▪ مصراع دوم ← مشبه: دلم / مشبه به: چشم‌هی سیما ب (جیوه) / وجه شبه:
بی قراری / ادات تشبيه: ماند

۱۳ عقده‌ای هرگز نکردم باز از کار کسی
در چمن، بی کار چون دست چنار افتاده‌ام

▪ مشبه: شناسه‌ی «ام» در «افتاده‌ام» / مشبه به: دست چنار / وجه شبه:
بی کار افتادن / ادات تشبيه: چون

۱۴ نمونه‌های بعدی همشون «تشبيه بلیغ (فسرده)» هستند:

گفتم که نوش لعلت مارا به آرزو کشت

گفتا تو بندگی کن کاو بنده پرور آید (۶/۱)

◀ تشبیه بليغ اضافي ← نوش لعل (لعل: مشبه / نوش (عسل): مشبه به)

◀ ۱۵ مگر از کدام باده مهر مست بودی / که با تازيانه هشتاد زخم / بر خود حد زدی؟
(۸/۱)

◀ تشبیه بليغ اضافي ← ۱- باده مهر (مشبه: مهر / مشبه به: باده) ۲- تازيانه زخم (مشبه: زخم / مشبه به: تازيانه)

◀ ۱۶ خورشید آسمان و زمین، نورِ مشرقين
پروردۀ کنارِ رسول خدا، حسین (۹/۱)
◀ تشبیه بليغ اسنادی ← ۱- حسین (ع) خورشید آسمان و زمین [است].
(مشبه: حسین (ع) / مشبه به: خورشید) ۲- حسین (ع) نورِ مشرقين [است].
(مشبه: حسین (ع) / مشبه به: نورِ مشرقين)

◀ ۱۷ کنون رود خلق است دریای جوشان
همه خوشه خشم شد خرمن من (۱۱/۱)
◀ تشبیه بليغ اضافي ← ۱- رود خلق (مشبه: خلق / مشبه به: رود) ۲- خوشه خشم (خشم: مشبه / خوشه: مشبه به)
◀ تشبیه بليغ اسنادی ← ۱- رود خلق دریای جوشان است. (رود خلق:
مشبه / دریای جوشان: مشبه به) ۲- خرمن من خوشه خشم شد. (مشبه:
خرمن من / مشبه به: خوشه خشم)

◀ ۱۸ کدام دانه فروفت در زمین که نرست؟!
چرا به دانه انسانت اين گمان باشد؟ (۳/۲)

◀ تشبیه بليغ اضافي ← دانه انسان (مشبه: انسان / مشبه به: دانه)

◀ ۱۹ پس از ابر کرم، باران محبت بر خاک آدم باريد و خاک را گل کرد.
(۷/۲)
◀ تشبیه بليغ اضافي ← ۱- ابر کرم (مشبه: کرم / مشبه به: ابر)
۲- باران محبت (مشبه: محبت / مشبه به: باران)



۲۰ جز تو که فرات، رَشْحَهَايِ از بَمْ توسَت

دریانشیدم که کشد مَشكِ به دوش (۱۰/۲)

◀ تشبیه بلیغ اسنادی ← فرات، رَشْحَهَايِ است. (مشبّه: فرات / مشبّه‌به: رَشْحَه)

◀ البتّه شاعر، ممدوح خودش (حضرت ابا الفضل (ع)) رودر قالب تشبيه پنهان (مضمر) به «دریا» تشبيه کرده؛ به این صورت: «دریایی جز تو» نشیدم (= سراغ ندارم) که مشک به دوش کشد (یعنی «تودربایی»).

۲۱ هر کاو شرابِ فُرقَت روزی چشیده باشد

داند که سخت باشد قطع امیدواران (۹/۳)

◀ تشبیه بلیغ اضافی ← شرابِ فُرقَت (مشبّه: فرقَت / مشبّه‌به: شراب)

۲۲ دست از مسِ وجود چو مردان ره بشوی

تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی (۲/۳)

◀ تشبیه بلیغ اضافی ← ۱- مس وجود (مشبّه: وجود / مشبّه‌به: مس)
۲- کیمیای عشق (مشبّه: عشق / مشبّه‌به: کیمیا) ▶ کیمیا: جوهربه که ماهیّت اجسام را تغییرمی‌ده و متعالی می‌سازه.

۲۳ ای نسخَه نامَه الْهَى، که تویی

وی آینه جمالِ شاهی که تویی (۱۴/۳)

◀ تشبیه بلیغ اسنادی ← ۱- تو نسخَه نامَه الْهَى هستی. (مشبّه: تو / مشبّه‌به: نسخَه نامَه الْهَى) ۲- تو آینه جمالِ شاهی هستی. (مشبّه: تو / مشبّه‌به: آینه جمال شاهی)

۲۴ بارانِ رحمت بی حساب همه را رسیده و خوانِ نعمت بی دریغش همه جا کشیده. (۱/۳)

◀ تشبیه بلیغ اضافی ← ۱- بارانِ رحمت (مشبّه: رحمت / مشبّه‌به: باران)

۲- خوانِ نعمت (مشبّه: نعمت / مشبّه‌به: خوان (سفره))

۲۵ فرّاش باد صبا را گفته تا فرش زمرّدین بگسترد و دایه‌ی ابر بهاری را فرموده تا بناتِ نبات در مهد زمین بپرورد. (۱/۳)

- ◀ تشبيه بلیغ اضافی ← ۱- فرّاش باد صبا (مشبه: باد صبا / مشبه به: فرّاش (فرش‌گستر)) ۲- دایه‌ی ابر بهاری (مشبه: ابر بهاری / مشبه به: دایه) ۳- بناتِ نبات (مشبه: نبات (گیاه) / مشبه به: بنات (دختران)) / مهد زمین (مشبه: زمین / مشبه به: مهد)

۲۶ درختان را به خلعتِ نوروزی، قبای سبز ورق در بر گرفته و اطفال شاخ را به قُدوم موسّم ربيع، کلاهِ شکوفه بر سر نهاده. (۱/۳)

- ◀ تشبيه بلیغ اضافی ← ۱- قبای سبز ورق (مشبه: ورق (= برگ) / مشبه به: قبای سبز) ۲- اطفال شاخ (مشبه: شاخ (= شاخه) / مشبه به: اطفال) ۳- کلاه شکوفه (مشبه: شکوفه / مشبه به: کلاه)

۲۷ تو کیستی که صدایت به آب می‌ماند؟

- ◀ تشبيه بلیغ اضافی ← گل آفتاب (مشبه: آفتاب / مشبه به: گل)
 - ” به جزاین، دو تاشبیه کامل (گسترده) هم توبیت هست:
- ۱- تشبيه صدایه آب ۲- تشبيه تبسم به گل آفتاب

۲۸ زنی که گوهر تعلیم و تربیت نخرید
فروخت گوهر عمر عزیز را ارزان

- ◀ تشبيه بلیغ اضافی ← ۱- گوهر تعلیم و تربیت (مشبه: تعلیم و تربیت / مشبه به: گوهر) ۲- گوهر عمر (مشبه: عمر / مشبه به: گوهر)

۲۹ تو همه ماهی و خورشیدی و ابری و نسیم
من خزان‌دیده و پژمرده گلی در چمنم

- ◀ تشبيه بلیغ اسنادی ← ۱- تو ماهی (ماه هستی) ۲- تو خورشیدی ۳- تو ابری ۴- تو نسیمی ۵- من گل خزان‌دیده و پژمرده هستم.



۳۰ شعاع آفتابم من اگر در کوچه‌ها گردم
عقیق و زر و یاقوتم، ولادت ز آب و طین دارم
▪ تشبيه بلیغ اسنادی ← ۱- من (=م) شعاع آفتاب هستم. ۲- من عقیق
هستم. ۳- من زر هستم. ۴- من یاقوت هستم.

۳۱ نام یاقوت لب بر خاتم دل کنده‌ام اسم اعظم را نوشتم بر نگین تازه‌ای
▪ تشبيه بلیغ اضافی ← ۱- یاقوت لب (مشبه: لب / مشبه‌به: یاقوت)
۲- خاتم دل (مشبه: دل / مشبه‌به: خاتم)

۳۲ سوزی که مرابر جگر از آتش عشق است
جز شربت مرگش نبود هیچ دوایی
▪ تشبيه بلیغ اضافی ← ۱- آتش عشق (مشبه: عشق / مشبه‌به: آتش)
۲- شربت مرگ (مشبه: مرگ / مشبه‌به: شربت)

۳۳ سر من مست جمالت، دل من رام خیالت
گهر دیده نثار کف دریای تو دارد
▪ تشبيه بلیغ اضافی ← ۱- گهر دیده (مشبه: دیده / مشبه‌به: گهر) ۲- کف
دریا (مشبه: کف (: دست) / مشبه‌به: دریا)

ابراج نویسندگان

تشوشهای برای موهبت

پنج تست تشیبیہ

(۹۴) تحریک

۱. در منظومه زیر چند تشبيه وجود دارد؟

«مرا هر لفظ فریادی است کز دل می‌کنم بیرون / مرا هر شعر دریایی است لبریز از شراب خون / کجا شهد است این اشک، که در هر دانه لفظ است / مرا عین، کاسه خون، است، / جنین آسان، منوشیدش ره.»

- ۱) سه ۲) چهار ۳) پنج ۴) شش

۲. در کدام بیت، هر دو تشییه بليغ (اسنادي و اضافي) وجود دارد؟

۱) ای در کمند زلفک تو حلقه‌ی فریب وی در کمان ابروی تو ناوک حیل

۲) دیوان حافظی تو و دیوانه‌ی تو من اما پری به دیدن دیوان نیامدی

۳) من ان شهرم که سیلاب محبت ساخت ویرانم تو ان گنجی که در ویرانه‌ی دل‌ها وطن داری

۲) عارض گلکون بنما، دم ز گلستان چه زنی؟ سنبل مشدین بکتسا دسته‌ی ریحان چه ننی؟

(۱) نشود هم یافته و افتکات آن در صور مبتلاه خون شود از حش و آس مانند یخکار

۲) ناتوان بودم به بوسیل نیم شب برخاستم تا به کویش حون نسم افتاد و خیزان آمدم

۳) مقام کعبه وصل تو دور افتاده است از ما نه ساز رفتن است آنجا مرانه برگ نارفتن

۴) آتشین داری زبان زان دل سیاهی چون چراغ گرد خود گردی از آن تردامنی چون آسیا

۴ آرایه تشبیه د کدام است بشت است؟

۱) صد خا، بلا، دا، دیوانه، ما خاست ه، روز که بے ساق، گا، حجه نشستم

۲) ای سیل اشک! خاک وجودم به باد ده تا بر دل کسی ننشیند غبار من

(۳) سروی است قامت تو از ناز سر کشیده ماهی است عارض تو از نور آفریده

۴) مرغ دل تا دام زلف و دانه خال تو دید طایر اندیشهام افتاد در دام هوس

۵. در کدام گزینه، همهٔ ترکیب‌ها «اضافهٔ تشبيه‌ی» است؟

۱) گوشہ کلاہ - روی ماہ - روی تعظیم - قبۃ عرش

(۲) آبروی بندگان - جمال عشق - اوج بالاغت - تقصیر خویش

٣) دروگر زمان - عصاره تاک - شهد فایق - موسم ربيع

۴) بنات نبات - بحر مکاشفت - مهد زمین - تیر مژگان



۱۱۰. در کدام بیت همه‌ی آرایه‌های «تشخیص، ایهام، استعاره، کنایه» وجود دارد؟
(ریاضی ۸۷)

- ۱) زنده کنند و باز پر و بال نو دهند هر چند برکنید شما پر و بال گل
- ۲) گل را مدد رسید ز گلزار روی دوست تا چشم ما نبیند دیگر زوال گل
- ۳) امروز روز شادی و امسال، سال گل نیکوست حال ما که نکو باد حال گل
- ۴) جامه‌دران رسید گل از بهر داد ما زآن می‌دریم جامه به بُوی وصال گل

۱۱۱. در کدام بیت هر سه آرایه‌ی «جناس، تشبيه، پارادوکس» موجود است؟
(انسانی ۸۷)

- ۱) الف قَدْ تو پیش همه مقبول افتاد این نه حرفی است که بر روی قلم رد باشد
- ۲) شکسته‌رنگی من، عشق را به رحم آورد به زر هر آن‌چه برآید به زور نتوان کرد
- ۳) هرچه ز نیک و بد است چون همه در دست اوست بر من مسکین چرا خطأ خطا می‌کشد؟
- ۴) برگ من بی‌برگی است و بار، بار خاطر است باد یا رب! روزی برق بلا برگ و برم

تیپ ۲

۱۱۲. در بیت زیر همه آرایه‌ها، به جز به کار رفته است.
«رفت آن تازه‌گل و ماند به دل خار غمش گل کجا جلوه‌گر و سرزنش خار کجاست؟»

- | | | | |
|------------|----------|----------|------------|
| ۱) ایهام | ۲) تشخیص | ۳) تشبيه | ۴) استعاره |
| (تجربی ۸۶) | | | |
۱۱۳. در بیت زیر کدام آرایه وجود ندارد؟
«رسید باد صبا، غنچه در هواداری ز خود برون شد و بر تن درید پیراهن»
- | | | | |
|----------|----------|----------|------------|
| ۱) تشخیص | ۲) تلمیح | ۳) کنایه | ۴) استعاره |
| | | | |

۱۱۴. کدام آرایه‌ها «تماماً» در بیت زیر وجود دارد؟
(تجربی ۹۵)

- | | |
|---------------------------------------|--|
| ۱) مجاز - کنایه - تشبيه - استعاره | ۲) استعاره - تلمیح - حسن تعلیل - تشبيه |
| | |
| ۳) مجاز - اسلوب معادله - تضاد - کنایه | ۴) تشخیص - حسن تعلیل - جناس - متناقض‌نما |
| | |

۱۱۵. آرایه‌های موجود در بیت زیر، کدام است?
(هنر ۹۵)

- | | |
|------------------------------|---|
| ۱) تشبيه - تضاد - کنایه | ۲) حسن تعلیل - ایهام تناسب - اسلوب معادله |
| | |
| ۳) کنایه - حسن تعلیل - تلمیح | ۴) جناس - اسلوب معادله - تلمیح |
| | |

مهروماه

تست‌های ترکیبی

(زبان ۹۵)

۱۱۶. آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

«لب ببستم ز سخن ای گل خندان که مباد مردمان بوی تو یابند ز رنگ سخنم»

(۱) استعاره، حسن تعلیل، کنایه

(۲) ایهام، تشییه، حسن آمیزی

(۳) ایهام، حسن تعلیل، کنایه

(تجربی ۹۴)

۱۱۷. آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

«گردد از دست نوازش پایه معنی بلند مور را شیرین سخن دست سلیمان کرده است»

(۱) کنایه، حسن آمیزی، تضاد، مجاز

(۲) کنایه، تشخیص، حسن تعلیل، جناس تام

(۳) استعاره، حسن آمیزی، مجاز، اسلوب معادله

۱۱۸. در بیت: «مکن عیبم که می‌کاهم چو ماہ از تاب مهرا او / که گر ماھی تب

هجرش کشد کوهی شود کاهی» کدام آرایه‌ها وجود ندارد؟ (خارج از کشور ۹۴)

(۱) استعاره، ایهام، حسن تعلیل

(۲) کنایه، تشییه، تضاد

(۳) ایهام تناسب، تشخیص، مراعات نظری

(۴) مجاز، تناقض، حسن آمیزی

(ریاضی ۹۳)

۱۱۹. آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

«هر چند زمین گیر بود دانه امید دست کرم ابر گهر بار بلند است»

(۱) کنایه، تشییه، مجاز، ایهام

(۲) مجاز، استعاره، حسن تعلیل، کنایه

(۳) استعاره، تضاد، جناس، تشخیص

۱۲۰. آرایه‌های همه گزینه‌ها به استثنای گزینه در بیت زیر تماماً وجود

(انسانی ۹۳)

دارد.

«تا اثر از نقش پای ناقه لیلی به جاست دامن صحراب این دیوانه دامان گلی است»

(۱) کنایه، ایهام، تلمیح

(۲) تشییه، تشخیص، جناس

(۳) استعاره کنایی، تلمیح، تشییه

(۴) استعاره، مراعات نظری، تشخیص

(هنر ۹۳)

۱۲۱. کدام آرایه‌ها در بیت زیر، تماماً موجود است؟

«هستند بی قرار چو زلف تو عالمی تا دیده دید در خم زلفت قرار حسن»

(۱) تشخیص، اغراق، مراعات نظری، کنایه، ایهام تناسب

(۲) ایهام تناسب، مجاز، تضاد، تشییه، مراعات نظری

(۳) تضاد، کنایه، ایهام تناسب

(۴) مجاز، تشییه، اغراق، جناس، تضاد

(۵) کنایه، ایهام تناسب، جناس، تشخیص

۱۲۲. آرایه‌های بیت «مشو غمگین در میخانه را گر محتسب گل زد / که جوش

(زبان ۹۳)

گل شراب لعل فام آورد مستان را» کدام‌اند؟

(۱) کنایه، جناس، استعاره، تشییه

(۲) تشییه، استعاره، مجاز، جناس تام

(۳) کنایه، مجاز، حسن تعلیل، جناس تام

(۴) تشییه، مراعات نظری، جناس، اسلوب معادله



۱۱. گزینه ۲ بررسی آرایه تشخیص در شعر: ۱- قدم خواهش (این که خواهش بتواند قدم بزند، تشخیص است). ۲- پای خون (نسبت دادن «پا» به «خون» تشخیص است). ۳- تپش قلب شب (این که «شب» قلب داشته باشد و قلب او بتپد، تشخیص است). ۴- کفش ایمان (نسبت دادن «کفش» به «ایمان» تشخیص است). ۵- پلک تر عشق (این که «عشق»، پلک داشته باشد و بتواند بگرید و پلکش تر شود، تشخیص است).

۱۲. گزینه ۱ دقت کنیم! اگرچه در این منظومه - به شرحی که گذشت - تنها ۵ بار آرایه تشخیص به کار رفته، اما هیچ بعید نیست که طراح محترم سؤال، «شیوه پاک حقیقت» را نیز - که در اصل، یک استعاره کنایی (مکنیه) است - تنها به این دلیل که نوعی جانبخشی به اشیا و مفاهیم بی جان به شمار می رود - تشخیص دانسته و مجموع تشخیص‌های منظومه را ۶ مورد (گزینه ۳) دانسته باشد.

۱۳. گزینه ۱ پیشانی خاک: تشخیص / بوسه نهادن اشک‌ها: تشخیص
۱۴. گزینه ۲ سایر گزینه‌ها: ۱) ای صبحدم: تشخیص ۳) دروغزن (دروغگو) بودن باد صبا: تشخیص ۴) دست هوا: تشخیص

۱۵. گزینه ۳ سایر گزینه‌ها: ۱) باغ، سر به سوی آسمان کرده بود: تشخیص ۲) نسبت دادن صفت «مغوروانه» و نیز عمل «شکافتن سینه دریا» به «کشتی»: تشخیص / سینه دریا: اضافه استعاری و تشخیص ۳) رخ ژاله بامدادی: اضافه استعاری و تشخیص / نسبت دادن عمل «bosse زدن» به «گل سرخ» و «زنبق»: تشخیص

۱۶. گزینه ۲ تیغ بارد: استعاره مکنیه (تیغ مانند باران می بارد). سایر گزینه‌ها: ۱) دریا آغوش برگشود: تشخیص ۲) مخاطب واقع شدن «سرو» (ای سرو): تشخیص / نسبت دادن «پا» و نیز عمل «نازیدن» (مناز) به «سرو»: تشخیص ۴) بر (آغوش) نیلوفر: تشخیص / این شاخ گل در بر (آغوش) گل نیلوفر برود: تشخیص / رقصیدن گلنارها: تشخیص

۱۷. گزینه ۱ سایر گزینه‌ها: ۱) گوش: مجاز از «انسان» (گوش: جزئی از انسان است). ۳) بیت: مجاز از «شعر» (بیت جزئی از شعر است). ۴) الحمد: مجاز از «سوره الحمد یا فاتحة الكتاب» (الحمد جزئی از آیه ۱ سوره الحمد است).